

## مساکن و آطام یهودیان حجاز<sup>۱</sup>

فاطمه احمدوند

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران

fahmadvand@yahoo.com

### چکیده

یهودیان که به عنوان قومی مهاجر پس از آوارگی‌های بسیار به حجاز راه یافتند، با حضور چند صد ساله در این سرزمین، آثار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی برجای نهادند. در این میان بررسی نحوه سکونت یهودیان در حجاز، به منظور تبیین بُعد دیگری از حیات اجتماعی و وضع معیشتی آنان در این سرزمین حائز اهمیت بسیار است. به نظر می‌رسد علاوه بر مآل‌اندیشی اقتصادی و فراست در امور سیاسی، برخورداری از استحکامات اساسی و سکونت در قلاع مستحکم، نقش مهمی در تحکیم مواضع استقرار و موقعیت اجتماعی یهودیان در حجاز داشت. در این مقاله ضمن بررسی نحوه سکونت یهودیان حجاز در مقایسه با اعراب، ساختار و کاربردهای سیاسی - اجتماعی مساکن آنان در این سرزمین، براساس منابع تاریخی بررسی و به ترتیب در سه بخش تبیین شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ صدر اسلام، یهود، حجاز، مساکن، حصون، آطام.

### مقدمه

اگرچه بررسی نحوه سکونت یهود حجاز، در تبیین ابعاد حیات اجتماعی - سیاسی و معیشتی آنان در این سرزمین حائز اهمیت است، لیکن نگاهی اجمالی به آثار محققان درباره یهود حجاز، نمایانگر غفلت در تبیین ابعاد حیات اجتماعی و معیشتی آنان است.

بنابر شواهد موجود در منابع تاریخی، مقارن ظهور اسلام و در زمان هجرت رسول خدا (ص) به مدینه، شمار بسیاری از یهودیان در اطراف چاه‌های آب و چشمه‌سارهای وادی القری، تیماء، خیبر و فدک تا یثرب پراکنده بودند. مناطق استقرار یهودیان در حجاز، عمدتاً از وضعیت

---

۱. تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۴/۱۷؛ تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۶/۲۸.

جغرافیایی یکسان و ماهیت تجاری - زراعی ویژه‌ای برخوردار بودند. از این رو به نظر می‌رسد، وضعیت مالی مطلوب و اتخاذ تدابیر امنیتی در مقابل تهاجمات بدویان، گرایش بسیار یهودیان حجاز را به سکونت در دژها و قلاع مستحکم در پی داشت.

هدف اصلی از ورود به این مقوله، ارائه تصویری از مساکن یهودیان در حجاز - که به احتمال قوی در شکل مساکن اعراب نیز موثر بود - به منظور تبیین بُعد دیگری از حیات اجتماعی آنان در این سرزمین است.

محدوده کلی این پژوهش، با بررسی نوع مساکن یهود، در مقایسه با جامعه عرب حجاز طراحی و با اندیشه ارائه یک بررسی تحلیلی از نحوه سکونت یهودیان در این ناحیه از جزیره‌العرب، در جهت پاسخ به این سؤال‌ها پی ریزی شده است.

آیا گرایش ساکنان حجاز به ساخت آطام و حصون، با مهاجرت یهودیان به این سرزمین صورت گرفت؟ علل سکونت یهودیان حجاز در دژها و قلاع مستحکم چه بود؟

### مساکن

اخبار در مورد شکل مساکن اهالی حجاز، حاکی از سکونت عموم در خانه‌هایی یک یا دوطبقه<sup>۱</sup> و سکونت بزرگان و اشراف در «حصون» و «آطامی» است که به نام آن بزرگان خوانده می‌شد.<sup>۲</sup> «آطام» جمع «أطم» در زبان عبری به معنای دیوارهای بدون پنجره و در عربی معادل ساختمان‌های مرتفع و چهارگوشی است که در حجاز «قصر» نامیده می‌شد<sup>۳</sup> و چنانچه بنای مذکور وسیع و دارای خدم و حشم بود، بدان «حصن» می‌گفتند.<sup>۴</sup> افزون بر واژه‌های أطم، حصن، قصر و قلعه، در آیه ۲۶ از سوره احزاب از واژه «صیامی» نیز برای قلاع یهودیان بنی قریظه استفاده شده است که در باب اصل و ریشه آن اختلاف کرده‌اند.<sup>۵</sup>

گزارش‌های منابع تاریخی حاکی از کثرت «حصون» و «آطام» در یثرب و سایر مناطق یهودی‌نشین حجاز است. به گفته مورخان، شمار آطام یهودیان یثرب تا پیش از هجرت رسول

۱. نک: ابن هشام، ۴۹۸/۱؛ حلبی، ۸۰/۲.

۲. نک: سمهودی، ۱۹۰/۱-۲۱۵؛ حافظ بن نجار، ۳۸ - ۳۹.

۳. جواد علی، ۱۸/۵؛ سامرائی، ۱۹.

۴. خیاری، ۳۰.

۵. ابن منظور، ذیل «صیص».

خدا (ص) به این سرزمین، بالغ بر ۵۹ و آطام اوس و خزرج ۱۳ بنا بود.<sup>۱</sup> علاوه بر این، اسکان اهالی یثرب در خانه‌های دو طبقه - که احتمالاً طبقه زیرین به چهارپایان اختصاص داشت - نیز در منابع تاریخی تأیید شده است.<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد، بزرگترین حصون و آطام یثرب در تملک بزرگان و متنفذان یهود بود.<sup>۳</sup> گفته می‌شود، بنی قریظه با استقرار در وادی مَهزور و تسلط بر بخش‌هایی از اراضی یثرب، نخستین سازندگان آطام در این سرزمین بودند.<sup>۴</sup> به روایت ابوالفرج اصفهانی «بُعَاث» واقع در مزرعه «قُورِی» یا «قُورا» از اموال بنی قریظه<sup>۵</sup> و حصون «شَجْر»، «مَلَحَه»، «مُعْرَض»، «زُبیرین باطا قُرظی» و «کَعْب بن اَسَد قُرظی» مشهور به «بَلْحان» نیز در تملک آنان قرار داشت.<sup>۶</sup> همچنین بررسی رویدادهای غزوه خندق نمایانگر استحکام قلاع بنی قریظه در ناحیه عوالی است.<sup>۷</sup>

آطام بنی قینقاع واقع در منتهی‌الیه جسر بَطحان، به صورت چند طبقه و بدون پنجره بنا شده بود، که از اجتماع آنها با یکدیگر قلعه‌ای مستحکم ایجاد می‌شد.<sup>۸</sup> مشهورترین قلاع بنی قینقاع «مَرِیح» و «حَبْرَه» نام داشتند.<sup>۹</sup> آطام «زَیان»، «أَجَش»، «بُضَاعَه»، «وَأَقِیم»، «رَاتِج»، «حُشَّان»، «صِرَار» در شمال و «شیخان» در شمال شرقی مدینه نیز متعلق به سایر قبایل یهودی شده یثرب بود.<sup>۱۰</sup>

در مجموع، بنابر آیات قرآن به نظر می‌رسد، مستحکم‌ترین حصون یهودیان در یثرب

۱. نک: سمهودی، ۱۶۵/۱؛ حافظ بن نجار، ۳۸ - ۳۹. پیشنهاد پیامبر (ص) به مسلمانان مبنی بر ماندن در مدینه در جریان غزوه احد، دلیلی بر کثرت آطام این ناحیه بود (Watt, 21).
۲. نک: ابن هشام، ۴۹۸/۱؛ ابن کثیر، *اللبدیه*، ۳/۲۰۰ - ۲۰۱.
۳. نک: واقدی، ۶۴۵/۲؛ طبری، ۴۹۰/۲ و نیز نک: جواد علی، ۳۱۴/۷.
۴. ابن رسته، ۶۱؛ حافظ بن نجار، ۳۸ - ۳۹.
۵. *اصفهانیه*، ۹۲/۱۷؛ و نیز نک: یاقوت، ۴۵۱/۱.
۶. نک: سمهودی، ۱۶۳/۱ - ۲۰۹.
۷. واقدی، ۴۷۴/۲ - ۴۷۵.
۸. درمنعم، ۲۰۶ و نیز نک:

Wensink, "Kaynuka" *EI*<sup>2</sup>, IV/824 - 825.

۹. سمهودی، ۱۶۲/۱ - ۲۱۵؛ یاقوت، ۲۱۳/۲.

۱۰. فیروزآبادی، ۱۰۷۳/۳؛ سمهودی، همانجا.

متعلق به بنی نضیر بود.<sup>۱</sup> از آن جمله حصون «فاضجه»، «عمروبن جحاش»، «بویلہ»، «برج»، «مَنور» و حصن «کعب بن اشرف» در جنوب مدینه را می‌توان نام برد.<sup>۲</sup> از آنجا که ساخت دژ و قلعه مایه تفاخر یهودیان بود،<sup>۳</sup> اعراب نیز به احداث چنین ابنیه‌ای اهتمام داشتند.<sup>۴</sup> به گفته مورخان، شمار آطام مدینه پس از هجرت رسول خدا (ص) به این سرزمین، به ۱۲۸ دژ می‌رسید.<sup>۵</sup> از آنجا که آطام و حصون برمبنای تقسیم‌بندی عشیره‌ای بنا شده بودند،<sup>۶</sup> منازل یهودیان و اعراب هر یک در مناطق ویژه‌ای از یثرب قرار می‌گرفت<sup>۷</sup> و در هر بطن، بزرگ خاندان، رئیس قلاع نیز بود.<sup>۸</sup> به نوشته مسعودی اوس و خزرج در یکی از درگیری‌های مداوم خود با پناه گرفتن در آطام، بر روی بام آنها با یکدیگر جنگیدند.<sup>۹</sup> به طور کلی محققان در توصیف مساکن یثرب با تاکید بر این که یثرب تنها مجموعه‌ای از آطام، حصون، خانه‌ها و کوخ‌های پراکنده و محصور شده با باغ‌ها و بستان‌ها بود،<sup>۱۰</sup> معماری این سرزمین را مشابه معماری حیره دانسته‌اند.<sup>۱۱</sup>

بنابر شواهد موجود در منابع تاریخی، یهودیان خیبر و نواحی شمال غربی حجاز، عمدتاً در حصن‌ها ساکن بودند. به نوشته واقدی، حصون خیبر در اواخر سال چهارم هجری ۴۰۰<sup>۱۲</sup> و در محرم سال هفتم هجری بالغ بر ۱۰۰۰۰ جنگجو را در خود گنجانده بودند.<sup>۱۳</sup> بدیهی است، این

۱. حشر: ۲/(۵۹) و نیز نک: ابن کثیر، تفسیر، ۴۷۶/۳ - ۴۷۷.

۲. نک: سمهودی، ۱۶۳/۱؛ یاقوت، ۳۷۴/۱.

۳. ابن رسته، ۶۲؛ حافظ بن نجار، ۳۸ - ۳۹ و نیز نک: سمهودی، ۱۶۲/۱.

۴. نک: اصفهانی، ۱۲۵/۱۷.

۵. خیاری، ۲۹. محمدبن طلحه گوید: رسول خدا (ص) انصار را از خراب کردن قلاع نهی کرد؛ زیرا آنها را زینت مدینه می‌دانست (ابن رسته، ۶۴ و نیز نک: صحیح بخاری، کتاب فضائل مدینه، باب ۲۹، حدیث ۸).

۶. جوادعلی، ۴۵۲/۵.

۷. عاملی، ۶۶.

۸. نک: سمهودی، ۱۹۱/۱ - ۲۱۵.

۹. مسعودی، ۱۷۶ - ۱۷۷.

۱۰. سامرائی، ۲۵؛ ادریس، ۱۶۴. گفته می‌شود، قلاع بنی نضیر در فاصله نصف روز راه از مدینه واقع شده بودند.

(See: Vaglieri, "NADIR" *EI*<sup>2</sup>, VII / 853).

۱۱. جواد علی، ۱۳۲/۴؛ غضبان، ۳۷.

۱۲. نک: واقدی، ۳۹۱/۱.

۱۳. نک: مغازی، ۶۳۴/۲.

رقم در مقایسه با آمار ارائه شده در خصوص ده و اندی قبیله متهود (یهودی شده)<sup>۱</sup> و جمعیت حدوداً ۸۶۰۰ نفری قبایل اصلی یهودی یثرب، مبالغه‌آمیز به نظر نمی‌رسد.<sup>۲</sup>

مورخان بدون ذکر نامی از آطام مشهور وادی القری، این منطقه را نیز دارای باروئی منیع ذکر کرده‌اند.<sup>۳</sup> گفته می‌شود ساکنان وادی القری با وارد شدن به دژهای این ناحیه، درها را می‌بستند و بدین طریق وادی القری به دژی مستحکم مبدل می‌شد.<sup>۴</sup> حصون «شمروخ»<sup>۵</sup> و «سَمُوئِل بن عادیا» معروف به «الْأَبْلَقُ الْفُرد» نیز به ترتیب در فدک و تیماء واقع شده بودند.<sup>۶</sup> از این رو، آطام و حصون حجاز غالباً مشابه محافد یمن و قلاع اشراف اروپا در زمان فتودالیسم ترسیم شده‌اند.<sup>۷</sup>

به طور کلی، اگر چه مورخان عمالیک را نخستین سازندگان آطام و حصون در حجاز معرفی کرده‌اند،<sup>۸</sup> لیکن محققان با توجه به کاربردهای تدافعی آطام و بررسی بقایای حصونی که زمان احداث آنها به نیمه قرن پنجم میلادی بازمی‌گردد، یهودیان را نخستین سازندگان آطام و حصون در این سرزمین دانسته‌اند.<sup>۹</sup> به گفته برخی، فکر ساخت آطام و اقامت در مناطق مرتفع را یهودیان مهاجر از فلسطین به حجاز آوردند.<sup>۱۰</sup> همچنین گفته می‌شود احداث دژ و قلعه در مناطقی که یهود بدان راه می‌یافت، عقیده‌ای دینی و بر مبنای فرامین تورات بود.<sup>۱۱</sup> از سوی دیگر، بررسی‌های زبان‌شناختی واژه «حصن»، به رغم به‌کارگیری شکل جمع آن در قرآن و کاربرد بسیار در شعر عربی، نمایانگر تعریب واژه مذکور و ریشه عبری، آرامی، سریانی و احتمالاً حبشی آن است.<sup>۱۲</sup> این در حالی است که به نظر می‌رسد، ساخت حصون و آطام، تنها مختص

۱. برای آگاهی از شمار قبایل یهودی شده یثرب (نک: سمهودی، ۱۶۵/۱).

۲. در خصوص تحلیلی در این باره نک: ادریس، ۴۱-۴۳.

۳. نک: مقدسی، ۸۳؛ ابن کثیر، *اللبدایه*، ۲۱۸/۴.

۴. جواد علی، ۱۸/۵.

۵. حمیری، ۴۳۷.

۶. اصفهانی، ۸۴/۲۲.

۷. جواد علی، ۱۳۴/۷.

۸. یاقوت، ۸۴/۵؛ سمهودی، ۱۵۷/۱.

۹. ولفنسون، ۱۱۷ و نیز نک: Ameer Ali, 53.

۱۰. نک: شریف، ۳۰۲؛ شافعی، ۴۳.

۱۱. نک: سفر تثنیه، باب بیستم، آیه ۲۰.

۱۲. جفری، ۱۷۹.

یهودیان شام و یهودیان پراکنده در سایر مناطق نبود، چرا که در مصر<sup>۱</sup>، خراسان<sup>۲</sup>، یمامه<sup>۳</sup>، یمن<sup>۴</sup>، نجران و سایر مناطق جزیره العرب نیز احداث چنین ابنیه‌ای مرسوم بود.<sup>۵</sup>

### ساختار آتام و حصون

به رغم اظهارات ابوالفرج اصفهانی در مورد تشابه آتام و حصون با یکدیگر<sup>۶</sup>، بررسی‌های میدانی حاکی از تفاوت‌هایی در سبک معماری بناهای مذکور است. اساساً حصون با سنگ‌های بزرگ و چهارگوش و آتام با سنگ‌هایی در اندازه‌های کوچک‌تر و لایه‌های گل بنا می‌شدند.<sup>۷</sup> گفته می‌شود آتام «أحیخه بن جَلاح» در یثرب، با سنگ سیاه<sup>۸</sup> و حصن اَبَلَق در تیماء، با سنگ‌هایی به رنگ‌های مختلف و عمدتاً سفید و سرخ ساخته شده بودند.<sup>۹</sup>

از سوی دیگر اگر چه قلاع و حصون یهودیان حجاز عمدتاً در مناطق مرتفع بنا می‌شدند<sup>۱۰</sup>، لیکن ارتفاع بناها در نواحی مختلف متفاوت بود. به گفته مورخان در مدینه قلاع با ارتفاع کم<sup>۱۱</sup> و در سایر نواحی با ارتفاع زیاد ساخته می‌شدند<sup>۱۲</sup>. با این حال کوشش آگاهانه سازندگان برای ایجاد تجانس میان ارتفاع بناها نسبت به اندازه‌های افقی آنها در تصاویر به دست آمده از قلاع یهودیان حجاز، به ویژه خیبر کاملاً مشهود است.<sup>۱۳</sup>

حصون و آتام یهودیان حجاز عمدتاً بدون پنجره<sup>۱۴</sup> و گاه با منافذی به منظور تأمین

۱. یاقوت، ۱۴۲/۵.

۲. همو، ۲۴۸/۳.

۳. جواد علی، ۱۳۳/۷.

۴. ابن رسته، ۶۲؛ یاقوت، ۳۳۲/۲.

۵. یاقوت، ۲۱۹/۱ و نیز نک: جواد علی، ۴۵۵/۵.

۶. نک: اصفهانی، ۷۸/۲۲.

۷. اشقر، ۲۴؛ حنفی، ۲۴؛ قس: جواد علی، ۱۸/۵.

۸. نک: اصفهانی، ۳۴/۱۵.

۹. جواد علی، ۷۷۳/۸.

۱۰. گزارش‌های واقدی از شرح رویدادهای غزوه خیبر، نمایانگر دشواری سواره نظام در بالا رفتن از حصون خیبر، به ویژه حصن زبیر است (نک: واقدی، ۶۳۷/۲، ۶۶۳ - ۶۶۴).

۱۱. نک: سمهودی، ۱۸/۱؛ قس: اصفهانی، ۳۴/۱۵.

۱۲. سامرائی، ۱۹.

13. Hamidullah, 117.

۱۴. درمنغم، ۲۰۶.

روشنایی و مقاصد دفاعی طراحی شده بودند.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد سنگین بودن کالبد قلاع، امکان ساخت پنجره‌های بزرگ و ایجاد تجانس میان دیوارهای درونی و بیرونی را از بین برده بود. بدیهی است، نتیجه طبیعی عدم استفاده از پنجره‌های کوچک و بزرگ، تاریک شدن داخل ساختمان‌ها بود. این ویژگی در بناهای یهودیان درست نقطهٔ مقابل خانه‌های گلی و خشتی یک یا دوطبقه حجاز قرار داشت، که عمدتاً پنجره‌دار و با سقف‌هایی از ساقه‌های نخل بنا می‌شدند.<sup>۲</sup> از سوی دیگر، گزارش‌های مورخان در شرح رویدادهای اخراج بنی‌نضیر، حاکی از به کارگیری درها و سردرهای چوبی در منازل آنان است. به گفته مورخان، بنی‌نضیر از شدت کینه و به منظور جلوگیری از سکونت مسلمانان در منازلشان<sup>۳</sup> به هنگام اخراج از مدینه، قلاع را ویران کردند<sup>۴</sup> و درها و سردرهای چوبی را با خود بردند.<sup>۵</sup> شاید بتوان در تحلیل این رویداد، اقدام بنی‌نضیر را به دلیل حک شدن وصیت موسی (ع) به بنی‌اسرائیل، بر درها و سردرهای چوبی منازلشان دانست، که از عادات یهودیان تا زمان حاضر ذکر شده است.<sup>۶</sup>

همچنین بررسی‌های باستان‌شناسان از قلاع یهودیان حجاز، نمایانگر وجود برج‌های دیده‌بانی به ویژه در منطقه خیبر است.<sup>۷</sup> به گفته مورخان در حصن «زُبیر»، حصن «صَعْب» و جانب شرقی حصن «قَمُوص»، بناهای برج مانندی به محاصره مسلمانان در آمد.<sup>۸</sup> از آنجا که نخلستان‌های یهودیان خیبر در فواصلی دورتر از حصن‌ها واقع شده بودند، شعله‌های آتش افروخته شده بر فراز برج‌ها، مسیر کشاورزان و گم‌شدگان را در تاریکی روشن می‌کرد.<sup>۹</sup>

در قسمت زیرین برج‌های مذکور، راهروهای زیرزمینی سرداب‌هایی را به یکدیگر متصل می‌ساخت.<sup>۱۰</sup> از این رو یهودیان خیبر در حفظ اسرار قلاع، اهتمام بسیاری داشتند.<sup>۱۱</sup> به نظر

۱. جواد علی، ۱۳/۵؛ شافعی، ۴۱.

۲. سامرائی، ۲۶؛ عاملی، ۶۶ تنه درختان نخل در ساخت سقف آطام نیز کاربرد داشت (نک: جواد علی، ۱۷/۵).

۳. دروزه، ۵۱۳؛ سید، ۱۰۶ و نیز نک: حشر: ۲/(۵۹).

۴. به نظر می‌رسد مسلمانان نیز در ویرانی قلاع بنی‌نضیر نقش داشتند (حشر: ۲/۵۹) از سوی دیگر به نوشته بلعمی (۱۵۲)، پیامبر(ص) به هنگام تبعید بنی‌قینقاع نیز دستور به ویرانی حصار آنان داده بود.

۵. نک: ابن هشام، ۱۹۱/۲؛ طبری، ۵۵۴/۲؛ واقدی، ۳۷۴/۱.

۶. نک: ولفنسون، ۱۳۸.

۷. نک: جواد علی، ۱۳/۵.

۸. قشاونی، ۱۹۱/۱؛ باشمیل، ۱۸۸؛ شافعی، ۴۱.

9. Braslavi, "Khaybar" *E.J.*, 10/942-943.

۱۰. شافعی، ۴۱ و نیز نک: Braslavi, *Ibid*.

۱۱. نک: واقدی، ۶۵۰/۲.

می‌رسد، سکوهایی که در آطام برای اشراف ساکنان بر نواحی اطراف تعبیه شده بود، تاحدودی کاربرد برج‌ها را در حصون داشت<sup>۱</sup>. علاوه بر این، بافت ایلی - شهری جامعه حجاز و غلبه معیشت بدوی بر زندگی ساکنان، مستلزم اختصاص مکان‌هایی برای نگهداری احشام، ساخت آبشخور و انبار علوفه در خانه‌ها، آطام و حصون بود<sup>۲</sup>. به گفته مورخان در قسمت پائین حصن «قَموص» در خیبر، آغلی از جنس سنگ بنا شده بود<sup>۳</sup>.

در آطام و حصون یهودیان حجاز چاه‌هایی نیز به منظور تأمین آب و استفاده در مواقع ضروری حفر می‌شد<sup>۴</sup>. بدیهی است، نزدیکی آب به سطح زمین در حجاز، دستیابی ساکنان به منابع زیرزمینی و حفر چاه در مزارع و خانه‌ها را به سهولت ممکن می‌ساخت<sup>۵</sup>. از این رو بنی‌نضیر با استقرار در «مذینیب» نخستین کسانی بودند که در «عالیه» چاه حفر کردند<sup>۶</sup>. به نظر می‌رسد، احداث چاه در حصون همزمان با ساخت بدنه اصلی حصن صورت می‌گرفت. نظیر چاه «معطله» که همزمان با ساخت حصن «قَموص» در خیبر، با دیواره‌هایی از سنگ‌های سیاه بنا شد<sup>۷</sup>. همچنین بررسی آثار باقی مانده از یهود و اوس در حره واقم، نمایانگر احداث آب انبارهایی در حصون و آطام آنان است<sup>۸</sup>.

در مجموع، اگرچه ساکنان حجاز سازندگان اصلی بناهای این سرزمین معرفی شده‌اند، لیکن حضور بنایانی از یمامه و حضر موت و مشارکت آنان در تهیه ملات و ساخت ابنیه حجاز، نیز در منابع تاریخی تایید شده است<sup>۹</sup>.

### کاربردهای آطام و حصون

شاید بتوان با رویکردی سیاسی - اجتماعی، جنبه‌های تدافعی را اصلی‌ترین کاربرد قلاع

۱. نک: اشقر، ۲۴.

۲. نک: واقدی، ۶۴۴/۲؛ بکری، ۴۳۷/۱.

۳. دیار بکری، ۴۹/۲.

۴. نک: ابن هشام، ۲۳۴/۲ - ۲۳۵؛ واقدی، ۶۴۰/۲.

۵. جواد علی، ۱۳۲/۴؛ غضبان، ۳۶.

۶. نک: سمهودی، ۱۶۱/۱.

۷. شافعی، ۴۰ و نیز نک: شریف، ۲۸۸.

۸. همانجا.

۹. ادریس، ۱۳۲.



یهودیان در حجاز دانست<sup>۱</sup>. بدیهی است حفظ کیان یهودیان حجاز، به مثابه اقلیتی فاقد تکیه‌گاه خارجی، علاوه بر ترکیب و تلفیق با بومیان در گرو تقویت بنیه نظامی با ایجاد استحکامات اساسی بود<sup>۲</sup>. حصون و اطمای به هنگام جنگ‌های داخلی و حملات مهاجمان بدوی، پناهگاه امن یهودیان و احشام آنان به شمار می‌رفت<sup>۳</sup>، تا آنجا که بطن‌های کوچک به هنگام رویارویی با مهاجمان، با پناهندگی به اطمای عشیره‌های بزرگ‌تر، به دفاع از قلاع می‌پرداختند<sup>۴</sup>. خیبر با اشتغال بر پنج منطقه نظامی، مستحکم‌ترین دژ دفاعی یهودیان در جزیره‌العرب به شمار می‌رفت<sup>۵</sup>. حصون «ناعِم»، «صَعْب بن مُعَاذ» و «زُبَیر» در منطقه «نَطَاه»، حصن «نَزَار» در منطقه «شَق» حصن «قَمُوص» در منطقه «کَتِیبَه» و حصون «وَطِیح» و «سَلَالَم» به ترتیب در مناطق «وَطِیح» و «سَلَالَم» قرار داشتند<sup>۶</sup>. استحکام قلاع خیبر به حدی بود که شاعران عرب در استواری بناها بدان استشهاد می‌کردند<sup>۷</sup>. از سوی دیگر از اظهارات مورخان در مورد غزوه خیبر، بر می‌آید که طراحی حصن‌ها در این منطقه اساساً بر مبنای اهداف تدافعی و نظامی صورت گرفته بود. گفته می‌شود «کَتِیبَه» جایگاه خانواده و اموال و «نَطَاه» مقر جنگاوران یهود بود<sup>۸</sup>. در منطقه «نَطَاه»، حصن ناعِم با برخورداری از موقعیتی راهبردی، اولین و مسلح‌ترین دژ دفاعی یهودیان به شمار می‌رفت<sup>۹</sup>. حصن «صَعْب بن مُعَاذ» با دیوارهای استوار و برج‌های بلند، جایگاه تیراندازان<sup>۱۰</sup> و حصون «مَرِیْطَه»، «ظَهَار» و «قَصَارَه» نیز به صورت پراکنده در اطراف منطقه اصلی واقع شده بودند<sup>۱۱</sup>. به نظر می‌رسد، قلاع مذکور به منظور مشغول کردن مهاجمان و در جهت عدم دستیابی

۱. نک: شریف، ۳۰۲.

۲. محققان عمده‌ترین دلیل گرایش ساکنان حجاز و در مقابل بی‌میلی مکان به ساخت حصن، دیوار و برج را با میزان امنیت مناطق مذکور مرتبط دانسته‌اند (جواد علی، ۸/۴-۹).

۳. نک: ابن هشام، ۱۹۱/۲؛ طبری، ۵۷۰/۱-۵۷۷.

۴. نک: سمهودی، ۱۹۰/۱ به بعد.

۵. سید، ۱۰۷.

۶. نک: واقدی، ۶۳۳/۲ به بعد.

۷. نک: حافظ بن نجار، ۱۴۶.

۸. نک: حلبی، ۳۳/۳.

۹. نک: واقدی، ۶۶۶/۲ و نیز نک: ابن کثیر، *اللبدایه*، ۱۸۶/۴.

۱۰. باشمیل، ۱۸۸.

۱۱. شافعی، ۴۵.

سریع آنان به مناطق اصلی و نیز محافظت از اراضی زراعی طراحی شده بودند.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، قلاع یهودیان حجاز انبار سلاح‌هایی بود<sup>۲</sup> که گاه به قبایل عرب عاریبه داده می‌شد.<sup>۳</sup> به گفته مورخان، حصون «ناعِم» و «زُبیر» در خیبر، انبار سلاح‌های پیشرفته جنگی آن دوره، همچون منجبیق و دبابه بود.<sup>۴</sup> این در حالی است که ساکنان اطام به هنگام درگیری و محاصره، تنها از سنگ و ابزارهای معمولی برای دفاع در برابر تهاجمات استفاده می‌کردند.<sup>۵</sup> قلاع یهودیان حجاز، انبار آذوقه و مخفی‌گاه اموال ارزشمند آنان نیز بود.<sup>۶</sup> در حصون «زُبیر»، «سَلالم»، «صَب بن مُعاد» و «أطم» «بنی قِمه» در حوالی حصن «ناعِم» مخازنی مملو از جو، خرما، روغن، عسل، حبوبات، علوفه و نیز مقادیر بسیاری پارچه یمنی، از جمله ۱۵۰۰ قطیفه، انواع ظروف مسی و سفالی، ده بار هیزم و نیز خمره‌های شراب انبار شده بود.<sup>۷</sup> علاوه بر موارد مذکور، شاید بتوان اشتغال اطام و حصون یهودیان حجاز بر معابد و بیت‌المدارس‌هایی که محل آموزش، شور بزرگان و قسم به کتاب مقدس در مواقع عهد و پیمان بود، را اصلی‌ترین کاربرد قلاع مذکور پس از سکونت و اهداف تدافعی دانست.<sup>۸</sup>

### نتیجه

بنابر آنچه گذشت و با تکیه بر شواهد تاریخی منتج از فرآیند مهاجرت یهود به جزیره‌العرب می‌توان دریافت، یهودیان حجاز در آستانه ظهور اسلام در دژها و قلاع مستحکمی که عمدتاً به نام آنها خوانده می‌شد، سکونت داشتند. از سوی دیگر بررسی نحوه سکونت یهودیان، در مقایسه با خانه‌های گلی و خشتی عموم در حجاز، نمایانگر وضع معیشتی مساعد و سطح زندگی مطلوب آنان در این سرزمین است. این در حالی است که تمایل به سکونت در قلاع و تفاخر

۱. جواد علی، ۱۳/۵.

۲. نک: واقدی، ۶۶۴/۲.

3. Braslavi, "Khaybar" E.J,10/942-944.

۴. واقدی، ۶۶۴/۲ - ۶۶۷. تجهیزات و امکانات دفاعی قلاع یهود، زبانزد اشعار اعراب بود(دیوان/العشی، ۲۴۳).

۵. جواد علی، ۴۵۶/۵.

۶. بدیهی است، طولانی شدن مدت محاصره یهودیان به هنگام مواجهه با مسلمانان، دلیلی بر کثرت آب و آذوقه در

قلاع آنان بود (نک: ابن هشام، ۲۳۴/۲ - ۲۳۵، ۳۳۶؛ واقدی، ۳۷۴/۱).

۷. نک: واقدی، ۶۶۴/۲ - ۶۶۷؛ مقریزی، ۳۱۸/۱؛ و نیز نک: حدائق الأنوار، ۶۴۱/۲.

۸. نک: ابن کثیر، البدایه، ۱۷۵/۶؛ اصفهانی، ۱۲۳/۱۷ و نیز نک: ولفنسون، ۱۱۶ - ۱۱۷.

بدان از سوی عرب نیز در منابع تاریخی تأیید شده است. بدیهی است، گرایش یهودیان حجاز به عنوان اقلیتی فاقد تکیه‌گاه خارجی به ایجاد استحکامات، به منظور تحکیم مواضع استقرار آنان در این سرزمین و در راستای حمایت از ساکنان و حفظ اموال و احشام در برابر تهاجمات صورت گرفته بود. از سوی دیگر، به رغم اظهارات محققان در مورد پیشینه احداث قلاع در حجاز و اقامت در آنها توسط نخستین مهاجران یهودی، دلیل محکمی برای انحصار ایده مذکور به یهودیان مهاجر به حجاز در دست نیست.

### کتاب‌شناسی

قرآن.

کتاب مقدس.

- ابن الدیب الشیبانی الشافعی، *حداثق الأنوار و مطالع الأسرار فی سیرة النبی المختار و علی آله المصطفین الأخیار*، به کوشش عبدالله بن ابراهیم انصاری، قطر، داراحیاء التراث الاسلامی، بی‌تا.
- ابن رسته، ابی علی احمد بن عمر، *العلاق النفسیه*، لیدن، بریل، ۱۹۶۷ م.
- ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء حافظ، *البدایة و النهایة فی التاریخ*، بیروت - لبنان، مکتبة المعارف، ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۰ م.
- \_\_\_\_\_، *مختصر تفسیر ابن کثیر*، به کوشش محمد علی صابونی، دمشق - حلب، دارالنمیر - دارالقلم العربی، ۱۴۱۰ ق/ ۱۹۸۹ م.
- ابن منظور، جمال‌الدین محمد، *لسان‌العرب*، بیروت، دار صادر.
- ابن هشام، *السیرة النبویه*، به کوشش السقا، الابیاری، شلی، بیروت - لبنان، دار ابن کثیر، بی‌تا.
- ادریس، عبدالله عبدالعزیز، *مجتمع المدینة فی عهد الرسول*، ریاض، عماره شؤون، المکتبات جامعة الملك سعود، ۱۴۱۲ هـ.
- اشقر، اسامه جمعه، *الجماعات الیهودیة فی شمال الغرب جزیرة العربیه*، دمشق، ۲۰۰۴ م.
- اصفهان، ابوالفرج، *کتاب الاغانی*، به کوشش احسان عباس، بیروت، دارصادر، ۱۴۲۵ ق/ ۲۰۰۴ م.
- باشمیل، محمد احمد، *غزوه خیبر*، دارالفکر، ۱۳۹۴ ق/ ۱۹۷۴ م.
- بخاری، اسماعیل، *صحیح بخاری*، استانبول، ۱۹۸۱ م.
- بکری الاندلسی، عبدالله بن عبدالعزیز، *معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع*، به کوشش مصطفی السقا، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.

- بلعمي، محمد بن محمد، تاريخ نامه طبري، به كوشش محمد روشن، تهران، ١٣٦٦ ش.
- جفري، آرتور، واژه هاي دخيل در قرآن مجيد، ترجمه فريدون بدره اي، تهران، توس، ١٣٧٢ ش.
- جواد علي، المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام، بيروت - بغداد، دارالعلم للملادين - مكتبة النهضة، ١٩٧٠ م.
- حافظ بن نجار، الدرّة الثمينة في تاريخ المدينة، به كوشش محمد عزب، مكتبة الثقافة الدينية، ١٩٩٥ م.
- حسيني عاملی، حسن كاظم، يهود الجزيرة العربية، بيروت، دارالهادی، ٢٠٠٥ م.
- حلبی شافعی، برهان الدين، السيرة الحلبیة، بيروت، داراحياء التراث العربي، بی تا.
- حمیری، محمد بن عبدالمنعم، الروض المعطار في خبر الأقطار، به كوشش احسان عباس، لبنان، مكتبة لبنان، ١٩٨٤ م.
- حنفي، قطب الدين، تاريخ المدينة، به كوشش محمد زينهم محمد عزب، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
- خياری، احمد ياسين، تاريخ معالم المدينة المنورة، رياض، مكتبة ملك فهد، ١٩٩٩ م.
- درمنغم، إميل، حياة محمد، ترجمه محمد عادل زعيترو، قاهره، داراحياء الكتب العربي، بی تا.
- دروزه، محمد عزه، تاريخ بني اسرائيل من أسفارهم، صيدا - بيروت، المكتبة المصرية للطباعة و النشر، ١٩٦٩ م.
- ديار بكری، حسين بن محمد، تاريخ الخميس في احوال انفس نفيس، بيروت، دارصادر، مؤسسه شعبان، بی تا.
- سامرائی، ابراهيم خليل، المظاهر الحضريّة للمدينة المنورة في عصر النبوة، موصل، مطبعة الزهراء الحديثة، ١٩٨٤ م.
- سمهودی، نورالدين علي بن احمد، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفى، به كوشش محمد محي الدين عبدالحميد، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٣٧٤ ق / ١٩٥٥ م.
- سيد، ناصر، يهود يثرب و خيبر (الغزوات والصراع)، بيروت، مكتبة الثقافية، ١٩٩٢ م.
- شافعی، محمود سلام، حصون خيبر في الجاهلية و عصر الرسول، الاسكندرية، ١٤٠٩ ق / ١٩٨٩ م.
- شريف، احمد ابراهيم، مكة و المدينة في الجاهلية و عهد الرسول، دارالفكر العربي، مطبعة مخيمرت، بی تا.
- طبري، محمد بن جرير، تاريخ الامم و الملوك، به كوشش ابوالفضل ابراهيم، بيروت، دارسویدان، ١٣٨٢ ق / ١٩٦٢ م.
- غضبان، ياسين، مدينة يثرب قبل الاسلام، عمان، دارالبشير، ١٤١٣ ق / ١٩٩٣ م.

- فيروزآبادى، مجدالدين محمد بن يعقوب، *المغانم المطابة فى معالم طابة*، المدينة المنورة، مركز بحوث و دراسات، ١٤٢٣ ق/ ٢٠٠٢ م.
- قشاوى، حمود بن ضاوى، *شمال الحجاز*، بيروت، العصر الحديث، ١٩٩٣ م.
- مسعودى، على بن حسين، *التنبية و الاشراف*، به كوشش عبدالله اسماعيل صاوى، قاهره، بى تا.
- مقدسى، محمد بن احمد، *احسن التقاسيم فى معرفة الاقاليم*، به كوشش محمد مخزوم، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٤٠٨ ق/ ١٩٨٧ م.
- مقريزى، تقى الدين احمد بن على، *امتاع الاسماع*، قاهره، مطبعة لجنة، ١٩٤١ م.
- واقدى، محمد بن عمر، *المغازى*، به كوشش مارسدن جونز، مطبعة جامعة أكسفورد، ١٩٦٦ م.
- ولفنسون، اسرائيل، *تاريخ اليهود فى بلاد العرب فى الجاهلية و صدر اسلام*، مصر، مطبعة الاعتماد، ١٩٤٥ ق/ ١٩٢٧ م.
- ميمون بن قيس، *ديوان الأعشى الكبير*، به كوشش محمد احمد قاسم، طرابلس، المكتب الاسلامى، ١٤١٥ ق/ ١٩٩٤ م.
- ياقوت حموى، *معجم البلدان*، بيروت، دارصادر، ١٩٩٥ م.
- Ameer Ali, syed, *The spirit of Islam*, London, 1923.
- Braslavi, Joseph, “*Khaybar*”, *Encyclopaedia judaica*, Jerusalem, 10/942-943.
- Hamidullah, Muhammad, *The Battlefields of the prophet Muhammad*, Hyderabad – Deccan, 1403 H, 1983.
- Vaglieri, Veccia, “*Nadir*” *Encyclopaedia of Islam* (EI<sup>2</sup>), Leiden, Brill, 1973, VII/852.
- Watt, William Montgomery, *Muhammad at Medina*, oxford, clarendon press, 1956.
- Wensink, R, Paret, A.J, S.V “*Khaybar*” *Encyclopaedia of Islam*, Leiden, Brill, 1973, IV/824-825.